جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ 7، شمـارهٔ 3، پاییز و زمستان 1394

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی در عصر قاجار با تکیه بر تحلیل گفتمانیِ یادداشت‌های امیرکبیر و جَستِن شِیل

نرگس علیپور*

(تاریخ دریافت: 93/2/9، تاریخ پذیرش: 93/7/27)

چکیده

جریان منع برده‌فروشی که از اواخر قرن هجدهم میلادی/دوازده هجری قمری از فرانسه آغـاز شده و به‌تدریج سراسر اروپا را فراگرفته بود، در ابتدای قرن نوزدهم میلادی به آسـیا و منطقـهٔ خلیج‌فارس نیز رسید. سردمدار هدایت این جریان در خلیج‌فارس، انگلیسی‌ها بودند که از هر طریقی سعی در تثبیت بیشتر موقعیت و حفظ منافع خویش در منطقه داشتند. ایـن مبـارزه تـا اوایل قرن بیستم میلادی/ چهاردهم هجری قمری ادامه یافت.

چرایی شکل‌گیری و تداوم تقریباً به‌مدت یک قرن این جریان، مسئله‌ای تأمل‌برانگیز اسـت که در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف به آن پرداخته‌ایم. این روش رویکرد تحلیل متنی دارد و متون را به‌مثابهٔ نمودار حساس فرآینـدها، حرکـت‌هـا و گوناگونی‌های سیاسی و اجتماعی به‌کار می‌گیرد؛ بنابراین در پژوهش پیش‌رو، با انتخاب بخشی از یادداشت‌های امیرکبیر و جَستن شِیل وزیرمختار انگلیس در تهران - که در فاصـلهٔ بـین 17

1. دانشجوی دکتری، تاریخ ایران، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
*alipour.narges@yahoo.com

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

ربیع‌الثانی تا 10 جمادی‌الاول 1267 دربارهٔ منع برده‌فروشی به تحریر درآمدند - به تحلیل این جریان پرداخته و از این رهگذر، نفوذ و تسـلط «گفتمـان امپریالیسـم» در مناسـبات قـدرت و درمقابل، ضعف حکومت مبتنی بر «گفتمانِ استبداد مطلقه» قاجـار را از علـل اصـلی ایجـاد و تداوم مبارزه با برده‌فروشی در این دوره برشمردایم.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، منع برده‌فروشی، خلیج‌فارس، قاجار.

1. مقدمه

در سال 1210ه. ق آقامحمدخان قاجار دولتی مبتنی بر «اتحاد ایلیاتی» را تأسیس کـرد. از این تاریخ، ایلات و نیروهای پراکنده در سراسر ایران تحت لوای حکومت مرکزی نسـبتاً پایدار قرار گرفتند؛ البته، این ثبات و تمرکز قدرت بـر اثـر ضـعف سـران قاجـار بعـد از آقامحمدخان و درنتیجه، افزایش نفوذ و دخالت بیگانگان (به‌ویژه روس‌ها و انگلیسی‌هـا) به‌سرعت کاهش یافت. این کشورهای منفعت‌طلب برای افزایش نفوذ خود و کسب منافع بیشتر در ایران، دست به رقابت زدند و برای نیل به اهداف اسـتعمارگرانه و خودخواهانـهٔ خود از هیچ تلاشی دریغ نکردند و باتوجه به ضعف سیاست‌مداران قاجار، اغلب هم قادر به تحمیل خواست و اراده خود بودند؛ به‌طوری‌که روس‌ها بعـد از پیـروزی در جنـگ بـا ایران، غنایم اقتصادی و سرزمینی بسیاری به‌دست آوردند. انگلیسی‌ها نیز درنتیجهٔ دخالت مستقیم در جدایی هرات از ایران و اقدامات خود در خلیج‌فارس، مرزهای ایران را محدود کردند. بخشی از فعالیت‌های انگلیسی‌ها در خلیج‌فارس مربوط به مسئلهٔ برده‌فروشی و منع آن در میان شیوخ حاکم در این منطقه بود. برده‌فروشی که از اواسط قرن دوازدهم هجری قمری در منطقه خلیج‌فارس درحال افزایش بود، در اواخر این قرن و اوایل قرن سـیزدهم هجری قمری، با تأثر از اعلامیهٔ حقوق بشر مجلس ملـی فرانسـه در 1208ه.ق/ 1794م و ایجاد نهضتی علیه برده‌فروشی و برده‌داری در اروپا، دچار دگرگونی شد و دستاویز خوبی برای دولت‌های اروپایی به‌ویژه انگلیس جهت افزایش نفوذ و تسلط‌شان در خلـیج‌فـارس قرار گرفت. انگلیسی‌ها به‌دنبـال حفـظ و تقویـت جایگـاه خـود در منطقـه، دربـاب منـع برده‌فروشی در خلیج‌فارس، قراردادهای متعددی با سران حکومـت‌هـای منطقـه ازجملـه

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

امام‌مسقط، سلطان عثمانی و درنهایت، شاه ایران (محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه) بشوند. ایران آخرین کشور منطقه بود که تن به خواسته‌های انگلیسی‌ها در این زمینه و بستن قرارداد با آن‌ها داد که طی آن به‌علت مخالفت‌های علمای شیعه و پافشاری امیرکبیر در نپذیرفتن خواسته‌های خودخواهانهٔ انگلیسی‌ها، مذاکرات و مراسلات فراوانی میان نمایندگان رسمی دولت انگلیس در ایران و سران دولت قاجار صورت گرفت.

از آنجایی‌که برای تحلیل فرآیندهای اجتماعی و سیاسی به‌طور عام و رویدادها و وقایع به‌طور خاص، تحلیل متون ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین در این پژوهش باتوجه به شخصیت و نقش سیاسی امیرکبیر در اتخاذ سیاست‌های متفاوت از سایر سران دولت قاجار درجهت حفظ منافع ملت ایران، بخشی از یادداشت‌های وی با جَستن شیل[1] وزیر مختار انگلیس در تهران، انتخاب شده است تا با روش تحلیل انتقادی گفتمان[2] نورمن فرکلاف[3] تجزیه و تحلیل شود. از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان، درون‌مایه‌ها و نگاه ایدئولوژیک نویسندگان متون در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد توجه قرار می‌گیرد. روش تحلیل این‌گونه است که ابتدا بافت موقعیت (موقعیت تاریخی، جامعه‌شناسی و محیطی) به‌عنوان عناصر گفتمان بررسی شده و سپس متناسب با پرسش‌های فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی در خلیج‌فارس، بررسی شده است. مطابق با فرضیه‌ی میانجی تحقیق، ایجاد جریان منع برده‌فروشی در خلیج‌فارس از نتایج سلطه‌گری، توسعه‌طلبی و برتری‌جویی دولت انگلیس یا به‌عبارتی تسلط «گفتمان امپریالیسم»[4] در ایران و کشورهای هم‌جوار بود. و ضعف موضع قدرت مبتنی بر گفتمان استبداد مطلقه (پاتریمونیال[5] سنتی) شاهان قاجار، بر تداوم این جریان تا اوایل قرن بیست میلادی تأثیر بسزایی داشت.

روش‌شناسی پژوهش

تحلیل انتقادی گفتمان از زبان‌شناسی انتقادی ناشی می‌شود. هدف زبان‌شناسان از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. (آقاگل‌زاده و غیاثیان، 1386: 39) این رویکرد از زبان‌شناسی، زبان و گفتمان را در ارتباط با

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مسائل کلان جامعه ازقبیل نهادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌هـای مـرتبط بـا مراکـز قدرت سیاسی و اجتماعی به‌کار گرفته‌اند. زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی است و در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ واقع شده است.

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینهٔ تحلیل انتقادی گفتمـان اسـت. درنظـر او، تحلیل انتقادی گفتمان به ما می‌گوید که تحلیل دقیق متون باید به جزئی مهم از تحلیـل‌هـای علمـی اجتماعی کل اَعمال و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود (فرکلاف، 1379: 118).

فرکلاف، تحلیل متن را دوگونه می‌دانـد کـه مکمـل یکدیگرنـد: تحلیـل زبـان‌شـناختی[6] و تحلیل درون‌متنی[7] و معتقد است کـه تحلیـل زبـان‌شـناختی دامنـه‌ای بسـیار گسـترده دارد کـه علاوه‌بر سطوح متعارف آن (نظیر واج‌شناسی[8]، دستور زبان تا حد تحلیـل جملـه و واژگـان، و معناشناسی[9])، مسائل فراتر ازحد جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند، مسائلی همچـون انسـجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون سـاختار متـون کـه مـورد بررسـی تحلیـل‌گـران گفتمـان و تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد. تحلیل زبـان‌شـناختی نشـان مـی‌دهـد کـه چگونـه متـون از نظام‌های زبانی به‌نحو گزینش‌گرانه بهره می‌گیرند، حال آنکه تحلیل درون‌متنی نشـان مـی‌دهـد که متون چگونه از نظم‌های گفتمان به‌نحوی گـزینش‌گرانـه اسـتفاده مـی‌کنـد. وی بـا نگـاهی به‌نظر باختین، تحلیل درون‌متنی را مکملی ضروری بـرای تحلیـل زبـان‌شـناختی برمـی‌شـمرد (فرکلاف، 1379: 122).

سطوح تحلیل گفتمان ازنظر فرکلاف عبارت است از: سطح اول گفتمان به‌مثابهٔ متن، (مرحلهٔ توصیف)؛ سطح دوم گفتمان به‌مثابهٔ تعامل بین فرآیند تولید و تفسـیر مـتن (مرحلـهٔ تفسـیر[10])؛ سطح سوم که سطح کلان است، گفتمان به‌مثابهٔ زمینه است (مرحلهٔ تبیین[11]). مرحلهٔ توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد.

مرحلهٔ تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک ایـن گفتمـان می‌شود و دانش زمینهٔ تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحلهٔ تبیین نیز گفتمان را به‌عنوان جزئی از روند مبارزهٔ اجتماعی در ظرف مناسـبات قـدرت بررسـی مـی‌کنـد. (فرکلاف، همان، 167- 252)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یادداشت‌های امیرکبیر و جستن شیل، وزیرمختار انگلیس، (17 ربیع‌الثانی الی 10 جمادی‌الاول 1267)

شیل به امیرکبیر

1- جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرّما علّبَ اولیای دولت علّیه انگلیس دوستدار را مأمور فرموده‌اند که درباب حمل‌ونقل غلام و کنیز سیاه از راه دریا به ایران به اولیای دولت علّیه ایران اظهار دارد که از امضای فرامین شاه مغفور از سرکار اعلیحضرت شهریاری کمال استرضای خاطر حاصل فرموده‌اند. ولی چنین استنباط کرده‌اند که از برای استدلال نتیجه **5-** دوستی دولت ایران نسبت به دولت انگلیس قسمی باید تا اینکه آن فرامین مجری شود. سابقاً تخلف و تمرد آن‌ها را از احکام به‌نظر آن جناب رسانید. گذشته از آن سلطان روم و امام مسقط و جمیع مشایخ اعراب بحرالعجم احکام ممانعت از برای رعایای خود مثل اینکه از سرکار اعلیحضرت شهریاری شرف صدور یافته است، صادر کردند. اما از برای اینکه آن ممانعت مجری شود، اذن به کشتیهای دولتی انگلیس داده‌اند که کشتیهایی که به عَلَم خود آن‌ها حامل غلام و کنیز سیاه باشند آن‌ها را تفحص وتجسس کرده و **10-** معطّل نمایند. قبل از این معلوم داشته است که مردمان دور و وحشی آن سواحل مضامین فرامین را به چه قسم اطاعت نکردند در آوردن غلام و کنیز سیاه به این مملکت و بر امنای دولت ایران واضح باشد که چون در این صورت و با این احوالات راهی از برای ممانعت آن‌ها نیست. همان رعایای ایرانی بی‌واهمه مشغول در حمل‌ونقل غلام و کنیز سیاه به خاک متعلقه به سلطان روم و امام مسقط و مشایخ اعراب خواهند شد. لهذا دولت انگلیس زیاد طالب هستند که کشتیهای دولت انگلیس مأذون باشند که کشتیهای **15-** ایرانی که احتمال می‌رود غلام و کنیز سیاه در آن‌ها باشد، جست‌وجو کرده آن غلام و کنیز را برداشته به جزیره که سایر غلام و کنیز از او را می‌برند، برده که در آنجا به آزادی بکاسبی خود روزگار بگذرانند. و هم آن کشتی‌ها را با اهالی آن‌ها که در این معامله مشغولند به دولت ایران بسپارند که خود آن‌ها تنبیهی را که از برای تمرّد کردن باحکام سرکار اعلیحضرت شهریاری شایسته بدانند، جاری نمایند. در این باب دولت انگلیس زیاده از حد مراقب می‌باشند و امید زیاد دارند که دولت ایران این خواهش را قبول نمایند و آن اذن **20-** را بدهند. زیرا که اگر چنین اذنی نباشد،

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

صدور چنین فرامین بی‌حاصل خواهد بود زیاد از آن خاطر جمعی که سابقاً از زمـان شـرفیابی حضور بسرکار اعلیحضرت شهریاری و هـم بـه خـود آن جنـاب داده بـود چیـزی بـه خـاطر نمی‌رسد. اگر باز همان خاطرجمعی را می‌دهد یعنی دولت انگلیس هرگز اظهار نمی‌کردند کـه اگر یک سرموئی از هر راه نقصی از برای ایندولت می‌داشت. قبول کردن دولت علّیـه عثمـانلو باین تکلیف دلیل کاملی است بر حقیقت این مطلب و توقع تمام دارد که همان دوستی را کـه دولت عثمانلو در این باب به دولت انگلیس ظاهر کرده است، دولت ایران هم بقدر همان، دوستی خود را ظاهر سازند.

چون لازم بود اظهار داشت. تحریراً 17 شهر ربیع‌الثانی سنه 1266

جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهاری مشفق مکرم میرزا تقی‌خان امیرکبیر با احتشام مطالعه فرمایند. (*مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شـمارهٔ: QH1263-6-15-9*)[12]

امیرکبیر به شیل

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقا معظما

شروحی مفصل که در هفدهم شهر ربیع‌الثانی و هشتم جمادی‌الاول درباب سیاهها بـه دوستدار قلمی و ارسال داشته بود، واصل و مسطوراتش از مطلع تا مقطـع استحضـار حاصـل شده، مراتب را عرضه حضور آفتاب ظهور اقدس همایون شاهنشاهی خلّدالله ملکـه و سـلطانه داشته، فرمودند که در جواب به آن جناب دوست مشفق معظـم اعـلام و اظهـار دارد کـه بایـد جناب جلالت‌مآب وزیرمختار که الحق شخصی با فطانت و درایت و انصاف است تا به حـال از مکنونات ضمیر مستحضر شده باشد که اراده باطنی و میل قلبی ما بر اینسـت کـه روز بروز بر مراسم معاونت و مواحـدت دولتـین فخیمتـین ایـران و انگلـیس افزایـد و تـا بتـوانیم میخواهیم خواهش دوستانه آن دولت بهیه را بعمـل آوریـم. چنانچـه مکـرر بالمشـافههٔ العلیـه بجناب وزیر مختار فرموده‌ایم و بآنجناب مجدداً و مؤکداً می‌فرمائیم که میل قلبی ما را بدوستی دولت و ملت انگلیس حالی جناب وزیرمختار نماید. چنانچه امضای قرار شاهنشاه مغفـور کـه تبعه دولت علّیه ایران از راه دریا سیاه حمل ننماید یکی از دلایل دوستی و علایم یک جهتی ما

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

با دولت فخیمه انگلیس است. و مجدد و مؤکد به **40-** حکام فارس و سواحل بحرالعجم و خوزستان نیز فرامین مطاعه صادر خواهد شد که تبعه دولت علیه از راه دریا سیاه نیاورند. اما علاوه از آنچه شاهنشاه مغفور درباب نیاوردن سیاه از راه دریا قرار داده‌اند، صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم و برای خود مضر می‌دانیم. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی 9 شهر جمادی‌الاول سنه 1266

حاشیه: صحیح است این نوشته جناب امیرنظام به وزیرمختار دولت انگلستان و موافق فرمایش است فی **45-** شهر جمادی‌الاول 1266 (*مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شمارهٔ: QH1264-6-6-2*)[13]

شیل به امیرکبیر

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقا معظّما از جواب مراسله دوستدار درباب حمل سیاه‌ها از راه دریا که ارسال رفته بود نه تنها باعث یأس دولت انگلیس خواهد شد، باعث تأسف دوستدار نیز گردید. تأسف دیگر اینکه ضمناً انکار از انجام رسانیدن مطلب دولت انگلیس است که درحقیقت خلاف منفعت این مملکت می‌شود و اعتقاد کلی دارد که از قبول **50-** کردن این مطلب باعث منفعت می‌شود نه ضرر. باز امنای این دولت را دعوت می‌نماید که در این خصوص تفکری نمایند. در زمان شرفیابی حضور سرکار اعلیحضرت شهریاری به دوستدار صریح فرمایش ملوکانه فرمودند که در این خصوص جواب خوش و دلپذیر از امنای دولت به شما خواهد رسید و آشکار است که معنی این فرمایش این بود که خواهش دولت انگلیس را قبول فرمایند. از آن جناب مسئلت می‌نماید که آیا موافق عدل است که وزرای با درایت دستورالعمل به سلاطین بدهند که از آنچه فرموده‌اند، **55-** اختلاف رأی بهم رساند.

زیاده زحمتی ندارد. تحریراً دهم جمادی‌الاول سنه 1266

جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و فخامت انتساب محبان استظهاری میرزا تقی‌خان امیرکبیر مطالعه فرمایند. (*مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شمارهٔ: QH1263-6-15-5*)[14]

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بافت موقعیتی[15]

تحلیل گفتمان، متن را در دو سطح متن[16] و بافت موقعیت تحلیل می‌کند. توجه بـه ایـن سـطوح در کشف ایدئولوژی و نگرش نویسنده از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ بنابراین ابتدا بافت موقعیـت را بررسی کرده تا مخاطب پیش‌زمینهٔ ذهنی مناسبی نسبت به موضوع مورد تحلیل پیدا کند.

موقعیت محیطی و جغرافیایی

خلیج‌فارس و بنادر آن در جنوب ایران محل اصلی ورود غلامان و کنیزان آفریقـایی‌تبـار بـود. سابقهٔ تجارت برده در این منطقه به قرن دوازده ق/هجده م می‌رسد. (ویلسون، 1366: 248) از بین بنادر جنوبی ایران، تنها بندری که برای حمل برده مستقیماً قایق به شرق آفریقا (منبع اصلی صدور برده به خلیج‌فارس) می‌فرستاد، بندر لنگه بود. (عیسـوی، 1362: 191) در سـایر بنـادر ایرانی چون بوشهر، محمره، بندرعباس، کنگان، قشم و خارک نیز خریدوفروش برده صـورت می‌گرفت. بردگانی که به بنادر عمان، ازجمله مسقط و صور، می‌رسیدند در گروه‌های کوچـک به بنادر خلیج‌فارس ازجمله بنادر ایران منتقل می‌شدند. از سال 1848م/1262 به بعد، به واسطهٔ امضای قراردادهای منع تجارت برده توسط امام مسقط، شیخ‌نشین‌هـای عـرب خلـیج‌فـارس و دولت عثمانی، بندر محمره (خرمشهر کنونی) که تحـت بیـرق ایـران از بازرسـی کشـتی‌هـای انگلیسی معاف بود، به‌تدریج تبدیل به مرکز تأمین برده به‌ویـژه بـرای تـرک‌هـا شـد؛ زیـرا در مجاورت مرزهای امپراتوری عثمانی قرار داشت. غلامان و کنیزان از این بندر به بصـره کـه در خاک عثمانی قرار داشت، انتقال پیدا می‌کردند. (Kelly,1968: 593) این بنادر مبادی ورودی و مراکز مبـادلات تجـاری بردگـان آفریقـایی بودنـد کـه مقصـد نهـایی غالـب آن‌هـا شـهرهای پس‌کرانه‌های دوردستی، مانند کرمان، شیراز، بغداد بود. (Amanat, 1983: 172)

موقعیت تاریخی

مذاکره با دولت ایران برای بستن بنادر ایرانی خلیج‌فارس بر روی تجارت برده، نخستین‌بـار در 1257ق/1841م آغـاز شـد. در ژوئیـهٔ 1841، پالمرسـتون[17] از مکنیـل[18] خواسـت کـه مسـئلهٔ

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

ممنوعیت کامل ورود برده به ایران را در اولین فرصت با مقامات ایرانی در میان بگذارد. (Kelly,1968: 593) اما مکنیل این مسئله را اصلاً با مقامات ایرانی در میان نگذاشت و تا بازگشت دوبارهٔ پالمرستون به وزارت خارجه، پنج‌سال بعد، اشاره‌ای به آن نشد. (Ibid: 594) زیرا روابط ایران و انگلیس به‌واسطهٔ مسئلهٔ هرات در این زمان به‌کلی تیره بود و دربار شاه، مکنیل را به‌عنوان مأمور افسونگر نیرنگساز می‌شناخت و حاضر نبود وقعی به سخنان او نهد (آدمیت، 1362: 516). در 1262ق، پالمرستون به سرهنگ جستن شیل وزیرمختار در تهران دستور داد که متن معاهدهٔ سال 1261ق با مسقط را به اطلاع وزرای شاه برساند و درخواست نماید شاه فرمانی صادر کرده و ورود برده به بنادر ایران در خلیج‌فارس را ممنوع کند و به کشتی‌های انگلیسی اجازه دهد این ممنوعیت را به مورد اجرا بگذارند. اولین تماس شیل با دربار ایران در سال 1262ق با موفقیت کمی روبه‌رو شد. با وجودی‌که حاجی میرزاآقاسی، صدراعظم وقت ایران، به گفتهٔ خود شخصاً طرفدار ممنوع شدن تجارت برده بود ولی امید کمی داشت که شاه با آن موافقت کند. (Kelly: op. cit)

درباب منع تجارت برده فیمابین اولیای دولت ایران و سفارت انگلیس از 27 ذیحجه 1262 الی رجب 1264 نوشتجاتی ردوبدل شد. (علیپور، 1390: 22) جستن شیل از حاجی میرزاآقاسی، جانب‌داری دولت ایران درباب منع تجارت غلام و کنیز سیاه را خواستار شد که با مخالفت محمدشاه روبه‌رو شد. شیل در این کار کامیابی نیافت و به‌طورموقت به لندن رفت و سرهنگ تی. فرنت[19]، جانشین موقت شیل در تهران، کار او را دنبال کرد و فرمان الغای برده‌فروشی را به‌دست آورد. متن فرمان محمدشاه چنین است:

«جناب حاجی نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود، بگذارید از راه خشکی بیاورند. این مرحمت فقط در حق فرانت صاحب می‌شود و من از او خشنود می‌باشم و به این مطلب رضایت داده‌ام. در این باب به حکام فارس و عربستان بنویس. محض خوبی فرنت قبول کرده‌ام اگر نه پاره‌ای گفتگو میان ما و دولت انگلیس است.» (آدمیت، همان: 518)

متعاقب دستخط شاه به حاجی میرزاآقاسی دو فرمان دیگر، یکی خطاب به والی فارس و بنادر و دیگری خطاب به حاکم اصفهان و خوزستان صادر گردید که در هردو فرمان موضوع منع ورود غلام و کنیز سیاه فقط از راه دریا قید گردیده بود. (همان: 520)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مقصود انگلیسی‌ها هم همین بود؛ زیرا نظر اصلی آن‌هـا بازرسـی کشـتی‌هـایی بـود کـه در خلیج‌فارس و دریای عمان رفت‌وآمد می‌کردند و می‌خواستند بدین‌وسیله نفـوذ خـود در ایـن مناطق را گسترش داده و سیادت دریایی پیدا کنند. مرحلهٔ نخست مبارزه بـا بـرده فروشـی بـا فرمان‌های مزبور انجام گرفت. ورود و خروج بردگان از طریق دریـا ممنـوع شـد؛ ولـی از راه خشکی ممانعتی نداشت.

مرحلهٔ دوم الغای برده‌فروشی در چگونگی اجرای آن آغـاز شـد. چنـدماه بعـد، محمدشـاه درگذشت و ناصرالدین‌شاه به‌جای او بـه تخـت نشسـت. صـدارت ناصـرالدین‌شـاه بـه میـرزا تقی‌خان امیرنظام (امیرکبیر) واگذار شد. صدارت امیر، جریان مـذاکرات را پیچیـده‌تـر کـرده و انگلیسی‌ها را از رسیدن به اهداف‌شان دور کرد. در صفر سال 1265، سرهنگ فرنـت درمـورد درخواست پالمرستون برای اختیاردادن به ناوهای بریتانیایی در بازرسی و توقیـف کشـتی‌هـای ایران در اجرای فرمان محمدشاه با امیر تماس گرفت. امیرکبیر در اجرای این تعهد فرامینی بـه حکام فارس و سواحل خلیج‌فارس و خوزستان در منع حمل سیاه از راه دریا صادر کرد. برای این کار حسن علی‌خان مأمور دولت را به بوشهر فرستاد و او را به سفارت انگلیس نیز معرفی کرد و مقرر داشت برده‌فروشان را جریمهٔ مالی بکنند و کشتی‌های آن‌ها توقیف شود. (آدمیـت، همان: 522) شیل در 1266 به تهران بازگشت و مذاکرات خود با دولت ایران را از سر گرفت.

تحلیل انتقادی گفتمان

در این بخش، یادداشت‌های مورد پـژوهش، باتوجـه بـه الگـوی تحلیـل نـورمن فـرکلاف در سه‌سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و تحلیل می‌شود.

توصیف متن

مقصود از توصیف در این مرحله، شناخت متن در چارچوب بافت مـتن و ربـط منطقـی بـین کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی[20] کلمات و واژگان است. در تحلیـل گفتمـان انتقـادی مکاتبـات مذکور در این سطح بیشتر به این موارد توجه می‌شود: انتخاب نوع واژگان، هم‌نشینی و هم‌آیی، تضاد معنـایی، کـاربرد ضـمایر مـا و شـما، روابـط و ارزش‌هـای بیـانی، رابطـه‌ای و تجربـی، ساخت‌های متنی و جنبه‌های استعاری که نگاه ایدئولوژیک نویسندگان را بیشتر بیان مـی‌کنـد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

این نکات در چند مورد و با انتخاب نمونه‌هایی از واژگان به‌عنوان شاخص برای متغیرهای یادشده در سؤال‌هایی که فرکلاف در سطح توصیف مطرح می‌کند، بررسی می‌شود:

واژگان ارزشی و رابطه‌ای

ویژگی ظاهری عبارات دارای ارزش تجربی، تجربهٔ نویسندهٔ متن از جهان طبیعی یا اجتماعی خود را بازنمایی می‌کند؛ به‌طور مثال، واژگان و عباراتی نظیر «آفتاب ظهور اقدس همایون شاهنشاهی» (سطر 33)، «خلدالله ملکه و سلطانه» (سطر 33)، «اعلیحضرت شاهنشاهی»، (سطور 4، 8، 19، 22، 52)، «شاهنشاه مغفور» (سطور 39، 40) از ارزش تجربی برخوردارند؛ زیرا به‌لحاظ ایدئولوژیکی به‌خودی‌خود معنادار بوده و به گفتمان سیاسی حاکم در عصر قاجار یعنی پاتریمونیال سنتی تعلق دارند که در آن قداست دولت و رابطهٔ مستمر آن با خدا درنظریهٔ شاهی و تجلی قدرت در شخص شاه نمود پیدا کرده است.

کلمات دارای ارزش رابطه‌ای ردپایی از آن دسته از روابط اجتماعی به‌دست می‌دهند که ازطریق متن در گفتمان به اجرا درمی‌آیند؛ عباراتی چون «رعایای دولت» (سطر 7، 12)، «تبعه دولت» (سطر 38، 40)، «اولیای دولت» (2، 3)، «امنای دولت» (سطور 11، 50، 52)، «دوستدار» (سطور 2، 47، 48) متضمن ارزش رابطه‌ای هستند که در آن مردم عادی تحت عنوان رعیت، تبعه و صاحبان قدرت، امین و اولیای مملکت برشمرده شده‌اند که در پرتو آن انتظام تعاملات درونی ساختار قدرت سنتی عمودی از بالا به پایین مشاهده می‌شود. ازطرفی کلمات رعیت و تبعه، امنا و اولیا از رابطهٔ هم‌معنایی هم برخوردارند؛ چنانچه گاهی در متن، بی‌هیچ مشکلی جایگزین هم شده‌اند.

همچنین استفادهٔ مکرر شیل از واژهٔ «دوستدار» نشان‌دهندهٔ تلاش وی برای نشان‌دادن رابطهٔ دوستانه و خیرخواهانهٔ دولت انگلیس با دولت ایران است.

گفت‌وگویی که در یادداشت‌ها میان امیرکبیر و شیل به چشم می‌خورد، کاملاً رابطهٔ رسمی میان طرفین را روشن می‌سازد که بیانگر ملاحظه مشارکین برای حفظ وجههٔ یکدیگر و احترام به شأن و مقام دیگری است. اکثر واژگان متن این خصلت را دارند؛ مثل: فرموده‌اند، اظهار دارد، کمال استرضای خاطر، به‌نظر آن جناب، شرف صدرو یافته است، شرفیابی حضور، سرکار

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اعلیحضرت، جناب جلالت و نصابت و بسیاری از واژگان دیگر کـه بـه‌علـت طـولانی شـدن مطلب، از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

ویژگی‌های دستوری

ضمایر «ما» و «شما»: این ضمایر، ارزش رابطه‌ای دارند. در مکاتبـات امیرکبیـر و شـیل، تنهـا دوبار از ضمیر «ما» استفاده شده است که مرجع آن شاه قاجار یعنی ناصرالدین‌شاه است. «اراده باطنی و میل قلبی ما» (سطور 36 و 37). در اینجا استفادهٔ جامع از «ما» شده‌است که دلالت بـر حکومت و مردم با هم دارد و مفهوم ضمیر «مـا» در اینجـا کـاملاً نقـش اقتدارگرایانـه شـاه را به‌عنوان نمایندهٔ تام‌الاختیار و بلامنازع مملکت ایران می‌دهد که نشـان از گفتمـان پاتریمونیـال سنتی نشان دارد که در آن حکومت به‌مثابهٔ ملک شـخـصـیِ سـلطان یـا فرمانرواسـت. کلمـه «دوستدار» در سه‌جا، در جایگاه فاعلی قرار گرفته است و نقش فاعلی جستن شیل، وزیر مختار انگلیس، را ایفا می‌کند که در بردارندهٔ ارزش تجربی و رابطه‌ای است که قبلاً به آن اشاره شد.

ضمیر «شما» در متن وجود ندارد و به‌جای آن از کلماتی چون «دوستدار» (سطر 47) و «آن جناب» (سطر 6، 21، 32، 37، 53) استفاده شده است. مرجع ضمیر دوستدار، جسـتن شـیل و مرجع ضمیر «آن جناب» میان شیل و امیرکبیر جابه جا شـده‌اسـت. ایـن واژگـان متبادرکننـدهٔ گویش کاملاً رسمی و اداری رایج در عصر قاجار است.

ارزش‌های رابطه‌ای واژگان

ویژگی‌های متنی ارزش‌های متعارض میان وحدت و اقتدار است که ممکن را نشان می‌دهـد از ظهور الگوی گفتمانی جدیدی خبـر بدهـد. همـهٔ ایـن ویژگـی‌هـا را مـی‌تـوان در ارتبـاط بـا جایگاه‌های فاعلی نویسندگان متن تفسیر کرد. جملات موجـود در یادداشـت‌هـای امیرکبیـر و شیل به‌غیراز یک مورد (سطر 54)، همگی خبری هستند که در آن جایگـاه فاعـل (نویسـنده)، جایگاه دهندهٔ اطلاعات و جایگاه مخاطب، جایگاه دریافت‌کننده است. بیشتر اطلاعاتی که شیل بیان می‌کند از وجهیت[21] بیانی پنهان برخوردار است که به‌نوعی سعی در درست‌نمایی داده‌هـای خبری‌اش دارد. وجهیت به‌وسیلهٔ افعال کمکی وجهی نظیر بایستن، ممکن بودن، احتمال داشتن و ویژگی‌های صوری دیگر ازجمله قید و زمان بیان می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در سطر 5، شیل با آوردن کلمهٔ «باید» به‌طور مؤدبانه الزامی را در برآوردن خواسته دولت انگلیس به دولـت ایـران

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تحمیل می‌کند که بازنمودی از موضع اقتدارگرایانهٔ وی به‌عنوان نمایندهٔ یک دولت قدرتمند در برابر دولت ضعیف قاجار و شاخصی از نفوذ گفتمان امپریالیسمی در این دورهٔ تاریخی است: «[اولیای دولت انگلیس] چنین استنباط کرده‌اند که از برای استدلال نتیجه دوستی دولت ایران نسبت به دولت انگلیس قسمی باید تا اینکه آن فرامین مجری شود. » (سطر 4 و 5)

مثال بعدی مربوط به جملهٔ امیرکبیر از زبان ناصرالدین‌شاه خطاب به شیل است: «اراده باطنی و میل قلبی ما بر این است که روزبه‌روز بر مراسم معاونت و مواحدت دولتین فخیمتین ایران و انگلیس افزاید و تا بتوانیم می‌خواهیم خواهش دوستانه آن دولت بهیه را بعمل آوریم.» (سطور 34-36). عبارت «تا بتوانیم می‌خواهیم» نشان‌دهندهٔ نوعی نشان‌دهندهٔ اقتدار ضمنی است که در مقاومت ناصرالدین‌شاه با هدایت امیرکبیر (طفره‌رفتن از پاسخ صریح) در برابر اجرای خواسته‌های زورگویانهٔ انگلیس نمود پیدا کرده است.

ساخت متن

متن مورد پژوهش، رسمی و اداری با ارزش تاریخی است. در معادلات سیاسی، به‌این‌گونه متون «یادداشت» گفته می‌شود. یادداشت، نامهٔ رسمی است که به‌وسیلهٔ نمایندهٔ سیاسی به حکومت خارجی تسلیم می‌شود. این نامه متضمن تشریح مسائل و تقاضای پاسخی است و با عبارات تعارف‌آمیز سیاسی ختم و سپس مهر و امضا می‌شود. سه یادداشت ذکرشده در بالا، نیز تاحد زیادی منطبق با این نظم ساختاری است و شامل جملهٔ خطابی، رکن کلام (موضوع) و «خاتمه» است.

با مروری بر افعال کاربردی در یادداشت شیل به امیرکبیر، بُعد وجهی (قطعیت و شناخت کمتر) متن، پررنگ‌تر دیده می‌شود. از این میان، تنها فعل «اعتقاد کلی دارد» (س 49) از نوع غیروجهی (قطعی) است که قطعیت و اطمینان زیادی دارد. سایر افعال، خاصیت غیرقطعی یا همان وجهی را دارند؛ مثل «طالب هستند» (14)، «امید زیاد دارند» (س 19)، «توقع تمام دارد» (س 24)، یا «چنین استنباط کرده‌اند» (س 4). این موارد، نبود تحکم و قطعیت شیل در بیان خواسته‌های دولت مطبوع خویش را نشان می‌دهد؛ اما آیا این ضعف موضع مأمور انگلیس در برابر کارگزاران ایرانی را نشان می‌دهد؟ یا نشان‌دهندهٔ نوعی ویژگی فریب‌زبانی است. اگرچه در برههٔ زمانی مورد بحث، شخصیت سیاس و مستقلی چون امیرکبیر بر سر قدرت است و بر

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جریان‌های سیاسی، اثرگذار، با وجود این نمی‌توان قدرت استعمارگر و امپریالیستی انگلیس منکر را شد که در اجرای خواسته‌های خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد. با این وصف می‌توان خاصیت وجهیت (عدم قطعیت) یادداشت‌های شیل را بیشتر نوعی فریب زبانی قلمداد کرد تا ضعف موضع قدرت. این مسئله در بررسی طول جمله‌ها هم قابل اثبات است. جمله‌های کوتاه‌تر از صراحت و قطعیت بالاتری درمقابل جمله‌های بلندتر برخوردارند؛ زیرا پرگویی نشانهٔ پنهان‌کاری است و پنهان‌کاری بنابه هر دلیل که باشد، درصدد بیگانه نگه‌داشتن شنونده و یا خواننده از حقایق است. جمله‌هایی که شیل استفاده می‌کند عمدتاً طولانی و بلند است که به همان خصلت فریب زبانی برمی‌گردد. این امر از دید امیرکبیر هم مخفی نماند که در قالب پاسخی هم‌شأن، نشان داده شده است. فریدون آدمیت در این‌باره می‌نویسد: «... نمایندهٔ انگلیس با عبارات آراسته و نرم می‌خواهد ایران را خودبه‌خود به قبول پیشنهادش وادارد، امیر نیز با همان زبان پاسخ می‌داد که دستورهای مؤکد صادر گشت. چون شیل تندتر و روشن‌تر می‌نوشت، امیر هم صریح‌تر و سخت‌تر جواب می‌داد. همین که شیل می‌گفت: دولت انگلیس هرگز این تقاضا را نمی‌کرد «هرگاه از هر راه ضرر و نقصی» (سطر 23) برای ایران داشت، امیر جواب می‌داد: این کار را صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم» (سطر 42) (آدمیت، همان: 523)

هم‌آیی[22] واژگانی

هم‌آیی واژگانی به‌عنوان یک از ابزارهای انسجام متنی، عبارت از واژه‌هایی است که به‌نحوی با یکدیگر رابطهٔ معنایی دارند و به نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی پنهان نویسنده را مشخص می‌کنند؛ مانند؛ «فرامین شاه»، «اعلیحضرت شهریاری»، «رعایای خود»، «شرف صدور یافته است»، «شرفیابی»، «عرضه حضور آفتاب ظهور»، «اقدس همایون شاهنشاهی»، «خلّدالله ملکه و سلطانه»، «شاهنشاه مغفور»، «تبعه دولت علیه»، «فرامین مطاعه»، «موافق فرمایش»، «فرمان ملوکانه»، «دستورالعمل سلاطین». همهٔ این عبارات با هم رابطهٔ معنایی دارند و از حاکمیت گفتمان «پاتریمونیال سنتی» نشأت می‌گیرند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تفسیر متن

بافت درون‌متنی[23]

گفتمان‌ها و متون آن‌ها تاریخ دارد و به مجموعه‌های تاریخی وابسته‌اند و تفسیر بافت درون‌متنی[24] به این موضوع بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و نشان دهیم که متن چگونه از نظم‌های گفتمان به‌نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کند. پذیرش بافت درون‌متنی مستلزم این است که به گفتمان‌ها و متون از دریچهٔ چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود. (فرکلاف، 1379: 230 و 235) برای شناخت نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، تنها پرداختن به‌صورت متن کافی نیست؛ زیرا ارزش ویژگی‌های متنی، تنها با واقع‌شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه‌ای واقعی می‌یابد و ازنظر اجتماعی عملی می‌شود. در این مرحله است که متون براساس پیش‌فرض‌هایی مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند. در این بخش، زمینهٔ مشترک بافت درون‌متنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در یادداشت‌ها بررسی می‌شود.

در نمونهٔ مورد پژوهش، آنچه از دیدگاه درون‌متنی قابل توجه است، پیوند گفتمان پاتریمونیال سنتی (استبداد مطلقه) و گفتمان امپریالیسم است. باتوجه به لحن خطابی یادداشت‌ها، می‌توان گفت که شالودهٔ درون‌متنی آن‌ها به مخاطب مربوط بوده و با طرح قبلی برای مخاطب خاص نوشته شده است؛ بنابراین در تحلیل درون‌متنی، این نکته درنظر گرفته می‌شود که شیل و امیرکبیر هردو از گفتمان‌های رایج این دوره از تاریخ ایران آگاه‌اند. چنانچه تشریح مسائل با عبارت‌های تعارف‌آمیز سیاسی و کاملاً رسمی در دو یادداشت شیل به امیرکبیر، نشان از توجه وی به شاخصه‌های گفتمان پاتریمونیال سنتی دارد.

احتیاط و مقاومت ضمنی امیرکبیر در برابر خواسته‌ها و مطالبات شیل در یادداشت دوم را نیز می‌توان نشان از شناخت وی نسبت به «گفتمان امپریالیسم» و نفوذ آن در کشورهای ضعیف همچون ایران دانست. این واکنش محتاطانه ازطرف امیرکبیر در سطر چهل و دو کاملاً دیده می‌شود:

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

«... اما علاوه از آنچه شاهنشاه مغفور درباب نیاوردن سیاه از راه دریا قرار داده‌اند، صـرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم و برای خود مضر می‌دانیم.»

پیش‌فرض‌ها[25]

پیش‌فرض‌ها ویژگی متن نیستند، بلکه جنبه‌ای از تفسیر تولیدکنندگان متن[26] از بافت درون‌متنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش‌فرض‌ها اشـاره دارنـد؛ ازجملـه حـرف تعریف، بندهای پیرو، جملات دربرداندهٔ کلمات پرسشی و بندهای موصولی که پیش از افعـال و صفات معینی (متأسف بودن، دریافتن، متذکرشدن، آگاه، عصبانی و غیره) می‌آیند. (فرکلاف، همان: 230) در بین پیش‌فرض‌های این یادداشت‌ها، موارد زیر یادآوری می‌شود:

یادداشت اول (شیل به امیرکبیر)

رضایت دولت انگلیس از امضای فرمان منع حمل‌ونقـل غـلام و کنیـز توسـط شـاه مغفـور (محمدشاه)، استحکام روابط دوستی دولت انگلیس و دولت قاجار درنتیجه اجرای فرمان، تمرد کشتی‌های ایرانی از اجرای فرمـان، عـدم توانـایی ایـران در ممانعـت از حمـل غـلام و کنیـز ازسواحل خلیج‌فارس به ایران، بی‌حاصل بودن فرمـان منـع بـدون دخالـت اجرایـی نیروهـای انگلیسی، ضرر نداشتن جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی توسط نیروهای انگلیسی برای ایران.

یادداشت دوم (امیرکبیر به شیل):

تلاش دولت ایران در حفظ روابط دوستانه با دولت انگلیس، امضای فرمان منع برده‌فروشی بـه‌علـت دوسـتی و اتحـاد بـا دولـت انگلـیس، مضـر بـودن دخالـت نیروهـای انگلیسـی در جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی برای دولت ایران.

یادداشت سوم (شیل به امیرکبیر)

امیدوارکننده نبودن پاسخ امیرکبیر برای دولت انگلیس، ضرر دولت ایـران از اجـازه نیـافتن نیروهای انگلیسی در تفحص کشتی‌های ایرانی، دخالت امیرکبیر در تصمیم ناصرالدین شـاه در اجرای خواسته‌های انگلیسی‌ها.

پیش‌فرض‌ها گاهی اوقات «واقعـی» و در مـواردی «عـوام‌فریبانـه» هسـتند. پـیش‌فـرض‌هـا همچنین می‌توانند کارکردهای ایدئولوژیک داشته باشند و این در مواردی است که آنچـه آن‌هـا مفروض مـی‌دارنـد، خصوصـیت «عقـل سـلیم در خـدمت قـدرت» را داشـته باشـند. از بـین

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پیش‌فرض‌های یاد شده دو پیش‌فرض که در مقابل هم قرار دارند، مهم است: «ضرر نداشتن جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی توسط نیروهای انگلیسی برای ایران» در یادداشت شیل به امیرکبیر. «مضر بودن دخالت نیروهای انگلیسی در جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی برای دولت ایران» یادداشت امیرکبیر به شیل. از مسلماً یکی از این دو مورد واقعی و ... و دیگری عوام‌فریبانه است. با نگاهی به جریان منع برده‌فروشی و نتایج به‌دست آورده از آن در تاریخ ایران، نیت عوام‌فریبانهٔ شیل در نوع بیان درخواست دولت انگلیس بیشتر آشکار می‌شود. اولیای دولت ایران، به‌ویژه امیرکبیر، نیز به این مسئله واقف بودند و اجازهٔ تفتیش کشتی‌ها را موجب برهم خوردن تجارت خلیج‌فارس و سلب اطمینان بازرگانان می‌دانستند. (آدمیت، همان: 523)

از پیش‌فرض‌های مهم دیگر «دخالت امیرکبیر در تصمیم ناصرالدین‌شاه در اجرای خواسته‌های انگلیسی‌ها» است که در یادداشت دوم شیل به امیرکبیر آمده است. این پیش‌فرض به واقعیت نزدیک بود.

جمله «آیا موافق عدل است که وزرای با درایت دستورالعمل به سلاطین بدهند که از آنچه فرموده‌اند اختلاف رأی بهم رساند؟» (سطر 54 و 55) نشان از نارضایتی زیاد شیل از مشاورهٔ شاه با امیرکبیر دارد. به قول آدمیت «البته وزیران با درایت باید «دستورالعمل به سلاطین بدهند»، وگرنه سرنوشت مملکت به‌دست پادشاهان می‌افتد که اغلب مردم خودسر و نادان هستند؛ وزارت و صدارت حتی در سلطنت مطلقه بنیاد سیاسی و قوی و معتبری بشمار می‌رفت». (آدمیت، همان: 524)

پیش‌فرض «امیدوارکننده نبودن پاسخ امیرکبیر برای دولت انگلیس» نیز در اِعمال سیاست موازنهٔ منفی توسط امیرکبیر دارد که قبلاً دربارهٔ آن صحبت شد.

پیش‌فرض مهم دیگر «عدم توانایی ایران در ممانعت از حمل غلام و کنیز ازسواحل خلیج‌فارس به ایران» است که در یادداشت اول شیل آمده است. ضعف قدرت مرکزی در جنوب ایران، به‌ویژه سواحل خلیج‌فارس، که شیوخ عرب در آن به استقلال حکم می‌راندند و از فرامین دولت مرکزی فرمانبرداری نداشتند، دستاویز خوبی برای ورود نیروی دریایی انگلیسی‌ها به آب‌های خلیج‌فارس برای حفظ امنیت منطقه شده بود. امیرکبیر می‌کوشید با تمرکز قدرت در حکومت مرکزی و بسط آن در سراسر منطقه جنوبی و کرانه خلیج‌فارس و تأسیس بحریهٔ جدید، ازطرفی سهم ایران را در سیاست خلیج‌فارس افزایش دهد و ازسوی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دیگر بهانه‌جویی انگلیس را که می‌گفت ایران بحریه ندارد و نمی‌تواند فرمان منع برده‌فروشـی را اجرا نماید، منتفی گرداند. (آدمیت، همان: 525)

تبیین متن

هدف از مرحلهٔ تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتمـاعی اسـت. تبیـین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان مـی‌دهـد کـه چگونـه سـاختارهای اجتماعی، گفتمان را تعین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌هـا چـه تـأثیرات بازتولیدی بر آن ساختارها می‌توانند بگذارند؛ تأثیراتی که سبب حفـظ یـا تغییـر آن سـاختارها می‌شوند. در این پژوهش منظور از ساختارهای اجتماعی، مناسبات قـدرت اسـت و هـدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرآیندها و اعمال مربوط به مبارزهٔ اجتماعی است؛ بنابراین تبیـین، عبارت از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزهٔ اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است.

همان‌طور که گفته شد، مکاتبات امیرکبیر و شیل مربوط به سال 1266ق است؛ یعنی حدوداً کمتر از دوسال بعد از سلطنت ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر و بیش از نیم‌قـرن از شـروع حاکمیت قاجارها بر ایران. پس از صفویه، قاجاریه نخستین سلسلهٔ بزرگی بود که ایران را از نو یک‌پارچه کرد و بر آن فرمان راند. آقامحمدخان قاجـار در مـدت نـه‌چنـدان بلنـدی توانسـت حکومت متمرکز به‌نسبت قدرتمندی ایجاد کند که در سایهٔ آن امنیت و تجارت، تقویت شده و از شورش‌های ایلی و دیگر مظاهر فروپاشی جلوگیری شد.

مهم‌ترین شاخص ساختار قدرت در عصر قاجار، اقتـدار سـلطانی و مطلـق‌گرایـی سیاسـی (استبداد مطلقه) بود. این ویژگی در کنار خصلت مذهبی خود، گفتمـان پاتریمونیـال سـنتی را آشکار می‌سازد که به گفتهٔ بشیریه، گفتمان سیاسی مسلط در ایران پـیش از ظهـور افشـارها و فرآیندهای برخاسته از تجدد غربی بود که درنهایت در قالب جنبش اصلاحات دوران قاجـار و نهضت مشروطیت رخ نمود.

گفتمان پاتریمونیالیسم قاجار گفتمان سلطنتی- مذهبی خاصی بود کـه باتوجـه بـه اجـزای تشکیل‌دهندهٔ طبقهٔ حاکمه در آن عصر، یعنی ایـل قاجـار، دربـار سـلطنتی، اشـراف دربـاری و روحانیت صاحب قدرت تکوین یافته بود. گـزاره‌هـای ایـدئولوژیک طبیعـی‌شـده در گفتمـان

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پاتریمونیالیسم سنتی، درمورد قدرت حاکم، مبتنی بر نظریهٔ شاهی ایرانی، نظریهٔ سیاسی شیعه به تعبیر دورهٔ صفویه، شیوهٔ خاص‌استبداد دوران قاجار و پدرسالاری قبیله‌ای است. (بشیریه، 1381: 65) استفادهٔ مکرر از عباراتی چون «اعلیحضرت شهریاری» (سطور 4، 8، 19، 22، 52)، «شاهنشاه مغفور» (سطور 39، 42)، «اقدس همایون شاهنشاهی» (سطر 33)، «فرمایش ملوکانه» (سطر 53) همگی گفتمان پاتریمونیال سنتی را نشان می‌دهند.

اما ویژگی دیگر مناسبات قدرت در این دوره، به‌ویژه بعد از مرگ آقامحمدخان قاجار، نفوذ و دخالت قدرت‌های غربی در صحنهٔ سیاست ایران است. قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران داشت وارد محاسبات دولت‌های اروپایی می‌شد. در همین دوره است که دست‌اندازی روس‌ها به مناطق شمالی ایران آغاز شد. درنهایت، طی عهدنامهٔ ترکمنچای در 1243ق شمال ایران در قبضهٔ روس‌ها درآمد و اعتبار بین‌المللی ایران کاملاً مخدوش شد. ازطرفی انگلیسی‌ها که نمی‌خواستند از رقیب قدرتمند خود، یعنی روس‌ها، عقب بمانند، با تجاوز به سواحل جنوبی ایران و حضور در افغانستان و تحمیل جنگ هرات بر ایران که سبب بستن عهدنامهٔ پاریس در رجب 1273 قمری و جدایی افغانستان از ایران شد، مکمل حرکات تجاوزگرانهٔ روس‌ها شدند.

درواقع پس از بستن قرارداد ترکمنچای که طی آن روس‌ها با همراهی انگلیسی‌ها متعهد شدند از جانشینی عباس‌میرزا حمایت کرده و حق انتقال حکومت به وارثان او را به رسمیت بشناسند، حکومت قاجار رسماً تحت‌الحمایهٔ بیگانگان قرار گرفت. چنانچه همهٔ سلاطین بعدی قاجار با حمایت مستقیم روس و انگلیس به قدرت رسیدند؛ بنابراین می‌توان حیات طولانی و نسبتاً آرام سلسلهٔ قاجار را مدیون این حمایت‌های خارجی قلمداد کرد (کدی، 1381: 49). این وضعیت، ناگزیر ساختار قدرت در ایران را پذیرای گفتمان دیگری می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان گفتمان امپریالیسم[27] یاد کرد. ویژگی‌های اصلی این نوع گفتمان عبارت است از: سلطه‌گری، برتری‌طلبی، توسعه‌طلبی و قدرت‌طلبی. تفاوت اصلی این نوع گفتمان با گفتمان استعمارگرایی در این است که استعمارگرایی بدون وجود مستعمره قانونی و جریان مستعمره‌سازی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ اما امپریالیسم بدون وجود مستعمره‌های رسمی می‌تواند عمل کند. (ساعی، 1385: 135) و از آنجایی که باوجود ضعف‌های فراوان، ایران هنوز مستعمرهٔ رسمی دولت دیگری قلمداد نمی‌شد، بنابراین گفتمان استعمارگر را نمی‌توان بر ساختار قدرت آن منطبق کرد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی باتوجه به مناسبات قدرت در این دوره و با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان، بررسی شد. با این رویکرد تحلیلی با روشی توصیفی، تفسیری و تبیینی و هدف شفاف‌سازی گفتمان و گزاره‌هـای تلـویحی پنهـان، تلاش شد تا به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود. و دو گفتمان مسلط پاتریمونیـال سـنتی و امپریالیسم برای این دورهٔ تاریخی معرفی شده و سرنخ‌هایی از این گفتمان‌ها در یادداشت‌هـای امیرکبیر و شیل به‌دست آمد. براساس یافته‌ها در سطح توصیف، تفسـیر و تبیـین، سـاختارهای اجتماعی یا همان مناسبات قدرت دررابطه با جریان منع برده‌فروشی ریشه در تسـلط «گفتمـان امپریالیستی» انگلیسی‌ها و ضعف قدرت شاهان قاجار ریشـه داشـت کـه مبتنـی بـر «گفتمـان پاتریمونیال سنتی» بود؛ زیرا مبارزه با برده‌فروشی دستاویز مهمی برای انگلیسـی‌هـا بـه‌منظـور افزایش تسلط و نفوذ در منطقهٔ خلـیج‌فـارس و حفـظ منـافع اقتصـادی آن‌هـا در منطقـه بـود. موضع‌گیری نامناسب و مقتدرانهٔ شاهان قاجار درمقابل ایجـاد و رشـد منـع بـرده‌فروشـی، کـه ضایعات زیادی برای دولت ایران و شیوخ منطقهٔ خلیج‌فارس داشـت، نقـش قابـل‌تـوجهی بـر تداوم این جریان تا اوایل قرن بیست م. مطابق با اواخر دورهٔ حکومت قاجارها، داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. J. Sheil
2. Critical discourse analysis
3. Norman Fairclough
4. Imperialism discourse
5. Patrimonialism
6. Text linguistics
7. intertextuality
8. phonology
9. semantics
10. interpretation
11. explanation
12. تصویر سند شماره 1.
13. تصویر سند شمارهٔ2.
14. تصویر سند شماره 3.
15. Situationnal context
16. text

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

17. Palmereston
18. Mcneil
19. T. Farrant
20. collocation

21. منظور از وجهیت (modality)، نگرش گوینده یا نویسنده به میزان قطعیت وقوع گزاره است که از طریق پاره‌گفتار یا متن، نمود عینی می‌یابد.

22. collocation
23. intertextual
24. Intertextual context
25. presuppositions
26. Producers

27. واژه امپریال (Imperial) که از ریشهٔ لاتینی (Imperilim) گرفته شده، در دههٔ آخر قرن نوزدهم در انگلستان رواج یافت. به‌طور کلی، واژه امپریال به‌معنای قدرت مطلقه، حق حاکمیت مطلق، اختیار مطلق، امپراتوری، حق فرمانروایی و اجرای قانون است. اما اصطلاح امپریالیسم به اعمال سیاست‌های توسعه‌طلبانهٔ اقتصادی و برتری‌طلبی (هژمونی) سیاسی دولت‌های نیرومند بر ملت یا ملت‌های دیگر اطلاق می‌شود.

فهرست منابع

الف: اسناد

- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شمارهٔ: QH1263-6-15-5
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شمارهٔ: QH1264-6-6-2
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شمارهٔ: QH1263-6-15-9

ب: کتب فارسی و انگلیسی

- آدمیت، فریدون؛ امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، 1362.
- آقاگل‌زاده، فردوس، و مریم‌سادات غیاثیان؛ رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، مجلهٔ زبانشناسی، س3. ش1. صص 39-54.
- بشیریه، حسین؛ دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دورهٔ جمهوری اسلامی)، تهران، نشر نگاه معاصر، 1381.
- زیباکلام، صادق؛ سنت و مدرنیته، چاپ چهارم، تهران: روزنه، 1379.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

– ساعی، احمد؛ نشریۀ حقوق «دانشکدۀ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران»؛ پـاییز 1385، شمارۀ 73، صص 133- 154.
– علیپور، نرگس؛ اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار، تهران، کتابخانه، مـوزه و مرکـز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1390.
– عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه 1332-1215 ق) ؛ ترجمـه یعقـوب آژنـد؛ تهران، گستره، 1362.
– فرکلاف، نورمن؛ تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان: فاطمه شایسته پیران و دیگـران، تهـران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، 1379.
– کدی، نیکی. آر؛ ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، تهران، ققنوس، 1381.
– ویلسون، سر آرنولد؛ خلیج‌فارس؛ ترجمۀ محمد سعیدی؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1366.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]